

جلوه‌های هنری آیات و احادیث در اشعار مولوی محمد حنیف بلخی
التجلیات الفنية لآيات القرآن والأحاديث في أشعار مولانا محمد حنیف البلخي

The Artistic Manifestations of Quranic Verses and Hadiths in the Poetry of Mawlawi
Mohammad Hanif Hanif Balkhi

Mevlevi Muhammed Henif Henif Belhî'nin Şiirlerinde Ayet ve Hadislerin Sanatsal
Yansımaları

امرالله محمدی^۱ حبیب الله حبیبی^۲

چکیده

این تحقیق به بررسی جلوه‌های هنری آیات قرآن کریم و احادیث نبوی صلی الله علیه و سلم در اشعار مولوی محمد حنیف بلخی شاعر و نویسنده نام آور معاصر بلخ می‌پردازد. هدف این تحقیق، شناسایی آیات و احادیث در سروده‌های شاعر مذکور است که از طریق شعر جامعه را به سوی ارزش‌های اسلامی رهنمایی می‌کند. مسأله تحقیق این است که اشعار حنیف بلخی سرشار از تأثیرات عمیق قرآنی و حدیث نبوی صلی الله علیه و سلم بوده که نشان از درک عالمانه و تفسیر شاعرانه او از قرآن کریم و حدیث پیامبر صلی الله علیه و سلم دارد، در روزگاری که دگرگونی اجتماعی و فرهنگ بیگانگان به‌وفور دیده می‌شود. این تحقیق با رویکرد تحلیلی-توصیفی به بررسی انعکاس آیات و احادیث در اشعار این شاعر می‌پردازد و نشان می‌دهد که چگونه او از این منابع الهام گرفته و مفاهیم دینی را در قالب شاعرانه بیان کرده است. یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که شاعر مذکور نه تنها به صورت مستقیم از آیات و احادیث بهره برده؛ بلکه با تفسیر و تأویل‌های عالمانه و شاعرانه، آیات قرآنی و احادیث نبوی صلی الله علیه و سلم را در ساختار شعری خود به صورت تلمیح، تضمین، اشاره، مفردات، جمع و کاربرد معانی جای داده است. این بهره‌گیری نشان می‌دهد که او شاعر متعهد به معارف اسلامی بوده و با استفاده از شعر در امور تبیین و ترویج آموزه‌های اسلامی سود جسته است. نگارندگان می‌کوشند با تحلیل نمونه‌هایی از اشعار وی، نحوه تأثیرپذیری او از منابع اسلامی را روشن ساخته و جایگاه او را در میان شاعران متأثر از آیات قرآن کریم و احادیث نبوی صلی الله علیه و سلم آشکار نمایند.

کلمات کلیدی: آیات قرآن کریم، احادیث، حنیف حنیف بلخی، شعر معاصر، مفاهیم دینی.

DOI:

<https://doi.org/10.69892/diwan.2026.221>

مقاله تحقیقی / Research Article

تاریخ دریافت / Received Date

12.02.2025

تاریخ قبول / Accepted Date

15.04.2025

تاریخ نشر / Publication Date

28.07.2026

^۱ پوهنمل، دیپارتمنت دری، پوهنځی تعلیم و تربیه، پوهنتون بلخ، بلخ، افغانستان.

^۲ پوهنیار، دیپارتمنت دری، پوهنځی تعلیم و تربیه، پوهنتون جوزجان، جوزجان، افغانستان.

ORCID

[0009-0009-1828-2468](https://orcid.org/0009-0009-1828-2468)

[0009-0009-9334-8113](https://orcid.org/0009-0009-9334-8113)

E-Mail

Amrullahhohamma71@gmail.com

Habibi2024habibi@gmail.com

این مقاله توسط نرم افزار تورنیتین

Turnitin بررسی شده Plagiarism یا

سرقت ادبی ثبت نگردید.

This article has been scanned by
Turnitin. No Plagiarism detected.



نحوه ارجاع دهی از این مقاله در پاورقی / Citation:

امرالله محمدی و حبیب الله حبیبی، "جلوه‌های هنری آیات و احادیث در اشعار مولوی حنیف حنیف بلخی"، مجله دیوان ۲/۷ (سرطان ۱۴۰۵)، ۲۶۹-۲۹۶.

الملخص

الهدف من هذه الدراسة الإستقصاء المظاهر الفنية للآيات القرآنية الكريمة والأحاديث النبوية الشريفة في أشعار الشاعر والكاتب المعاصر المعروف من بلخ، مولوى محمد حنيف حنيف البلخي. و الهدف من هذا البحث تحديد الآيات والأحاديث التي وظّفها الشاعر في قصائده لتوجيه المجتمع نحو القيم الإسلامية. تتمحور إشكالية البحث حول اشتغال أشعار حنيف بلخي على تأثيرات عميقة من القرآن الكريم والحديث النبوي صلى الله عليه وسلم، مما يبرز فهمه العلمي وتفسيره الشعري للنصوص الدينية في عصر تطغى عليه التحولات الاجتماعية والثقافات الوافدة. اعتمد البحث منهجية تحليلية وصفية لدراسة انعكاسات الآيات والأحاديث في أشعار هذا الشاعر، مُبيناً كيف استلهم من هذه المصادر وصاغ المفاهيم الدينية في قوالب شعرية مبدعة. و ظهرت النتائج أن الشاعر لم يقتصر على الاستخدام المباشر للنصوص الدينية، بل أعاد صياغتها عبر تفسيرات علمية وشعرية، مُوظِّفاً المفردات القرآنية والأحاديث النبوية صلى الله عليه وسلم في بنية قصائده بأشكال متعددة كالتلميح، والتضمين، والإشارة، وتوظيف المعاني المفردة والجمع. وهذا يعكس التزامه بالمعارف الإسلامية، وسعيه إلى نشرها عبر الأدب. من خلال تحليل نماذج من أشعاره، يسعى الباحثون توضيح مدى تأثره بالنصوص الإسلامية، وإبراز مكانته بين الشعراء الذين انعكست في أعمالهم الآيات القرآنية والأحاديث النبوية صلى الله عليه وسلم.

الكلمات المفتاحية: الآيات القرآن الكريم، الأحاديث، حنيف حنيف البلخي، الشعر المعاصر، المفاهيم الدينية.

Abstract

This study investigates the artistic manifestation of Quranic verses and Prophetic traditions in the poetry of Mawlawi Mohammad Hanif Hanif Balkhi, a distinguished contemporary poet and writer from Balkh. The research aims to identify the Quranic āyāt (verses) and ahādīth (Prophetic traditions) reflected in his poetry, through which he seeks to guide society toward Islamic values by means of literary expression and artistic creativity. The central focus of the study is the profound influence of the Qur'an and the Sunnah on Balkhi's poetic works, which demonstrate his scholarly understanding and artistic interpretation of divine revelation and the teachings of the Prophet Muhammad ﷺ, particularly in a period characterized by social unrest and the growing influence of foreign cultures. Adopting an analytical-descriptive approach, the study examines how Balkhi's poetry reflects Quranic verses and Prophetic traditions, highlighting his creative engagement with these sacred sources and his ability to convey religious concepts through poetic language. The findings reveal that the poet not only directly incorporates Quranic and Prophetic texts into his poetry, but also skillfully conveys

their meanings through exegetical interpretation (tafsīr) and poetic reinterpretation (ta'wīl). Furthermore, he employs various literary techniques, including allusion, quotation, subtle reference, lexical adaptation, and semantic application, to integrate Quranic principles and Prophetic teachings into the structure of his poetry. This study demonstrates Balkhi's deep commitment to Islamic scholarship and his dedication to employing poetry as a medium for explaining and disseminating Islamic teachings. By analyzing selected examples from his poetry, the research clarifies his methodological engagement with Islamic sources. It establishes his distinctive position among contemporary poets influenced by the Qur'an and the Prophetic traditions.

Keywords: Quranic Verses (Āyāt), Prophetic Traditions (Ahādīth), Hanif Hanif Balkhi, Contemporary Poetry, Religious Concepts

Özet

Bu araştırma, Belhî'nin çağdaş, ünlü şair ve yazarı Mevlevî Muhammed Hanîf Hanîf Belhî'nin şiirlerinde Kur'an-ı Kerîm ayetleri ve Nebevî hadislerin sanatsal yansımalarını incelemektedir. Araştırmanın amacı, söz konusu şairin şiirlerinde yer alan ayet ve hadisleri tespit ederek, onun şiir yoluyla toplumu İslamî değerlere nasıl yönlendirdiğini ortaya koymaktır. Araştırmanın temel problemi; toplumsal dönüşümün ve yabancı kültür etkilerinin yoğun hissedildiği bir dönemde, Hanîf Belhî'nin şiirlerinin derin Kur'an ve hadis etkileriyle dolu olması ve bu durumun, şairin kutsal metinlere dair âlimane kavrayışını ve şairane yorumunu yansıtmasıdır. Analitik-betimsel bir yaklaşımla hazırlanan bu çalışma, ayet ve hadislerin şairin şiirlerindeki yansımalarını ele almakta ve onun bu kaynaklardan nasıl ilham alarak dinî mefhumları şiirsel bir kalıpta sunduğunu göstermektedir. Araştırma bulguları; şairin ayet ve hadislerden sadece doğrudan faydalanmakla kalmadığını, aynı zamanda alimane ve şairane yorumlarla (tevil) bu kaynakları; telmih, tazmin, işaret, kelime kullanımı ve anlam aktarımı gibi edebî sanatlar yoluyla şiir yapısına dahil ettiğini ortaya koymaktadır. Bu kullanım düzeyi, onun İslamî ilimlere bağlı bir şair olduğunu ve şiiri, İslamî öğretileri açıklama ve yayma yolunda etkili bir araç olarak kullandığını göstermektedir. Bu araştırmayı kaleme alanlar, şairin eserlerinden örnekler analiz ederek, onun İslamî kaynaklardan etkilenme biçimini netleştirmeyi ve ayet/hadis eksenli şiir yazan şairler arasındaki konumunu belirlemeyi amaçlamaktadır.

Anahtar Kelimeler: Kur'an-ı Kerîm Ayetleri, Hadisler, Hanîf Hanîf Belhî, Çağdaş Şiir, Dinî Kavramlar

مقدمه

بسم الله الرحمن الرحيم، الحمد لله رب العلمين والصلوة والسلام على سيد المرسلين وعلى آله واصحابه اجمعين.

دین مبین اسلام به عنوان غنی ترین منبع و پشتوانه فرهنگی، تأثیر زیادی بر ادبیات کشور ما در طول تاریخ داشته است. شاعران بزرگی همچون مولانا، سنایی، سعدی و حافظ، از آیات قرآن کریم و احادیث نبوی صلی الله علیه و سلم بهره گرفته اند تا مضامین معنوی و سلوک عرفانی را در قالب شعر بیان کنند. در روزگار ما، مولوی محمد حنیف بلخی، یکی از شاعران معاصر بلخ، نیز در سروده های خود به طور گسترده از تعالیم قرآنی و سنت نبوی صلی الله علیه و سلم الهام گرفته است. آن هم در روزگاری که بسیاری از ارزش های معنوی ما تحت تأثیر دگرگونی های پرشتاب اجتماعی قرار گرفته است. شعر حنیف بلخی بستری برای تبیین مفاهیم والای اخلاقی، معرفتی و دینی دارد. آیات و احادیث در اشعار او نه تنها به عنوان منابع الهام بخش؛ بلکه یک ابزار تأکیدی و تعلیمی برای تقویت معارف و آموزه های اسلامی به کار رفته است. وی با استفاده از منابع دینی، خواننده را به سیر و سلوک معنوی، شناخت حقیقت و ترکیه نفس دعوت می کند.

تحقیق حاضر در پی آن است که چگونگی و شیوه جلوی های هنری آیات قرآن کریم و احادیث نبوی صلی الله علیه و سلم در اشعار حنیف بلخی را بررسی کرده و نشان دهد که این بهره گیری تا چه اندازه در شناخت مفاهیم دینی مؤثر بوده است. از این رو، با مطالعه دقیق اشعار او، می توان دریافت که چگونه آموزه های اسلامی در اندیشه این شاعر متجلی شده است؛ چنانچه شعر هر شاعر بیانگر اندیشه ها و افکار و اعتقاد اوست. به سخن دیگر شعر آینه ای است که می توان در آن جلوه های افکار و اعتقادات و پیش های شاعر را تماشا کرد، بدین جهت نه تنها دریافت بعد دینی؛ بلکه ابعاد فرهنگی - اسلامی، ادبی و هنری شاعر در به کارگیری آیات و احادیث مسأله مهم و اساسی پنداشته می شود.

تحقیق حاضر از این جهت حایز اهمیت است که به تحلیل و بررسی این اشعار به عنوان ابزاری تربیتی و تأثیرگذار در شکل دهی نگرش ها و رفتارهای جامعه اسلامی می پردازد. در روزگاری که بسیاری از ارزش های اصیل فرهنگی و اسلامی سرزمین ما به خصوص در میان برخی از جوانان و نوجوانان تحت تأثیر دگرگونی های پرشتاب اجتماعی و غرب زدگی قرار گرفته اند، از این رو، شناخت ارزش های اسلامی با بیان سلیس و شاعرانه می تواند راه گشای جامعه در بازگشت به اصول اسلامی باشد. بدین ترتیب حنیف بلخی، در اشعار خود از مفاهیم دینی بهره وافر برده است؛ اما شیوه و چگونگی انعکاس آیات و احادیث در اشعار او به طور دقیق تاهنوز مورد بررسی قرار نگرفته است.

بدین لحاظ در این تحقیق سؤالاتی مطرح می‌شود که آیات قرآن کریم و احادیث نبوی صلی الله علیه و سلم چگونه در اشعار حنیف حنیف بلخی بازتاب یافته‌اند؟ همچنین، با چه نوع جلوه‌های ادبی و هنری در تلفیق این منابع با زبان شعر او مشاهده می‌شود؟ از این رو محققان تلاش نموده‌اند که با بررسی محتوایی اشعار این شاعر نشان دهند که نقش آیات قرآن کریم و احادیث نبوی صلی الله علیه و سلم در اشعار حنیف حنیف بلخی تا چه اندازه در تقویت پیام دینی مؤثر بوده است. از این جهت اهدافی را دنبال می‌کنند که این شاعر چگونه از آموزه‌های قرآن کریم و احادیث نبوی صلی الله علیه و سلم برای تبیین آموزه‌های اسلامی بهره برده است.

البته خاطر نشان باید ساخت که تاکنون تحقیق مستقل و روشمند درباره جلوه‌های هنری آیات قرآن کریم و احادیث نبوی صلی الله علیه و سلم در اشعار حنیف بلخی صورت نگرفته است؛ اما در اشعار معاصر مقاله تحقیقی زیر عنوان «جلوه‌های تأثیر قرآن و حدیث در شعر معاصر ایران»، توسط رضاچهرقانی و محبوبه ذوالقدر (۱۳۹۹) به نشر رسیده است. یافته‌های آن‌ها نشان می‌دهد که شاعران پارسی‌گو مضامین و مفاهیم قرآن شریف را در اشعار شان با فن‌های بلاغی همچون حل، درج و تضمین به کار برده‌اند. کیانی رضا و دیگران (۱۳۹۲)، جلوه‌های بینامتنی قرآن کریم در شعر قیصر امین‌پور تحقیق کرده‌اند؛ ولی درباره اشعار حنیف بلخی تاکنون تحقیقی صورت نگرفته است، بر این اساس نگارندگان سطور کوشیده‌اند، با بهره‌گیری از روش توصیفی-تحلیلی که بر مبنای داده‌های اسنادی و کتابخانه‌ای صورت گرفته است. روش‌های ادبی و هنری حنیف بلخی را در تلفیق آیات قرآن کریم و احادیث نبوی صلی الله علیه و سلم روشن کنند و جایگاه این شاعر معاصر را در میان دیگر شاعران مشخص نمایند. نخست نگاهی گذرا به زندگی و شعر حنیف حنیف بلخی شده است، سپس نقش و تأثیر آیات قرآن مجید و احادیث پیامبر اسلام صلی الله علیه و سلم در شعر فارسی دری، بعداً شیوه‌های کاربرد آیات قرآن کریم و احادیث نبوی صلی الله علیه و سلم در شعر حنیف بلخی، شاعر معاصر بلخ بررسی شده است.

۱. نگاهی به زندگی مولوی محمد حنیف حنیف بلخی

مولوی محمد حنیف حنیف بلخی، فرزند ملا محمد یوسف در سال ۱۳۰۵ ه.ش؛ مطابق ۱۹۲۵ میلادی. در شهر مزارشریف ولایت بلخ دیده به جهان گشود. آموزش‌های ابتدایی را نزد مامایش ملا عاشور و سپس نزد مولانا خال محمد خسته شاعر، عالم دین و بیدل‌شناس مشهور کشور فراگرفت.^۱ نامبرده در سال ۱۳۳۱ ه.ش از مدرسه اسدیة شهر مزارشریف فارغ شد و در بست‌های مختلف وظیفه انجام داده است، از جمله مدت سه سال به صفت استاد مدرسه اسدیة شهر

^۱ محمد حنیف حنیف بلخی، *پرطاووس* (بی‌جا: بی‌نا؛ ۱۳۶۴ ه.ش)، ۸۳۶.

مزارشریف بود و پس از آن، منشی اتاق‌های تجارت بلخ و سپس آمر مطبوعات ولایت بلخ وظیفه اجرا نمود. بعداً به قضا روی آورد و مدتی عضو تفتیش قضایی ستره محکمه بود. سپس مدیر عمومی نشرات و برای مدت‌زمانی مدیر مسئول مجله اوقاف گردید. پس از این مرحله، مدیر عمومی اوقاف بلخ مقرر شد و به تعقیب آن عضو دیوان جزای ریاست محکمه عالی تمیز مقرر گردید و عضو دیوانی محکمه عالی کابل را نیز داشت. در همین آوان بود که کودتای کمونستی در کشور پیاده شد و مولوی حنیف که روحیه سازگار با رژیم کمونستی نداشت، از وظیفه کنار رفت.^۲

حنیف بلخی بنابر استبداد کمونستی، مجبور به هجرت از وطن و در سال ۱۳۶۰-۱۳۶۱ روانه پاکستان شد؛ اما در گوشه‌ای نخزید و نجات خود و خانواده خویش را اندیشه نکرد؛ بلکه در میان مهاجران وطن در پشاور با اندیشه و قلم، قدمی در راستای کاستن رنج‌های ملت و نجات دین و وطن از تجاوز اشغالگران و کمونستان برداشت. هم‌چنان مدرسه‌ای را به نام «مکه مکرمه»، جهت حفظ قرآن کریم، به کمک دوستان ایجاد نمود و مدت هشت سال به فرزندان مهاجر، قرآن شریف را تدریس و آموزش داد. در همین مدت تحقیق و نگارش را نیز در جهت تقویت باورهای دینی، احیای فرهنگ و حس آزادی‌خواهی و غرور ملی ادامه داد. ثمره آن آفرینش شماری مقالات و تألیفات مستقل است. نامبرده بعد از پیروزی جهاد به اثر ناگواری و کشمکش‌های اوضاع داخلی افغانستان، راهی عربستان سعودی شد، مدتی در آن‌جا زندگی کرد، تا بالاخره در سال ۲۰۰۱ میلادی. به میهن بازگشت.^۳

سروده‌های مولوی حنیف، آموزشی، تربیت دهنده و آزادی‌بخش است. او شعر را در خدمت دین اسلام، اخلاق و آزادی قرار داده است. مسایل شرعی را با زبان شعر بیان می‌دارد؛ تا با آهنگ خاصی برای مخاطب شنیدنی و دلنشین گردد. وی در این میان آگاه است تا جوانان میهن، فریفته ریاکاران و دین فروشان مزدور حکومت کمونستی نگردد، از این‌جاست که همیشه فریاد می‌زند و گفته‌هایش همواره گمراهان و فرهنگ باختگان و بیگانگان را آگاهی می‌دهد. نامبرده تألیفاتی زیادی دارد که مشهورترین آن‌ها عبارت اند از: «فقه‌های بلخ»، «ارمغان بلخ»، «دیوان اشعار»، «اصحاب صفه»، «پرطاووس»، «نیزار»، «خروش»، «زندگی‌نامه حضرت ابوبکر صدیق رضی الله عنه»، «کلام راستین و مرد راستین»، «نخستین بت شکن»، «زندگی‌نامه حضرت علی بن ابی طالب رضی الله عنه»، «سنگرستان»، «خیرالتابعین»، «الاربعین»، «اسلام و حقوق زن»، «تضمینات»، «ام الکتاب»، «ام

^۲ حسن انوشه «و دیگران»، دانشنامه ادب فارسی (تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۱ ه.ش)، ۳/

۳۵.

^۳ صالح محمد خلیق، تاریخ ادبیات بلخ (کابل: نویسندگان بلخ، ۱۳۸۷ ه.ش)، ۴۴۷-۴۴۸.

القرآن تفسیر و بیان سورة فاتحه و جزء سی‌ام»، «جهاد در ام‌البلاد»، «فضایل بسم‌الله الرحمن الرحیم»، «از حکمت‌ها و اسرار شریعت»، «از فراز منبر بیت‌الحرام»، «زنان برگزیده صدر اسلام»، «تحقیقاتی در علوم قرآن»، «به‌سوی تربیه اسلامی»، «امام اعظم رحمه‌الله و اندیشه‌های او درباره عقیده اسلامی»، «آیات عظام و فاروق اعظم»، «در سایه کعبه»، «مفاخر بلخ» و... از نوشته‌های وی به جا مانده است.^۴ روان‌شاد مولوی محمد حنیف بلخی سرانجام در ۲۵ اسد سال ۱۳۸۹ به عمر ۸۴ سالگی به دیار ابدی پیوست و در بلخ بستان به خاک سپرده شد.

۲. بازتاب و جلوه‌های آیات قرآن و حدیث در ادب فارسی دری

شاعران فارسی زبان پس از قرن دوم هجری با سپری شدن دوره فترت ادبی، رنگ تازه به ادبیات فارسی دری زدند و با آمیختن فرهنگ خراسانی و آموزش‌های متعالی اسلامی، برگ زرینی در تاریخ ادبیات کشور گشودند. تأثیر قرآن و حدیث در دوران نخستین ادبیات ما چندان چشمگیر نبود، این پیوند عناصر خراسانی و اسلامی در عرصه ادبیات که با تأثیرپذیری متون نظم و نثر فارسی از کلام الهی، سخنان پیامبر اکرم صلی‌الله علیه و سلم عینیت یافت، به تدریج سیر صعودی را طی کرد تا آن‌که در قرن ششم به اوج شکوفایی رسید.^۵

شعرا و نویسندگان مسلمان عموماً پارسی‌گویان به‌طور خاص از مفاهیم آیات قرآن کریم در اشعار و آثار خود استفاده کرده‌اند، که این بهره‌گیری هم در لفظ و هم در مضمون اشعار و آثار ادبیات ما مورد توجه دانشمندان قرار گرفته است، به‌طور مثال در مثنوی مولانا آمده است:

تا قیامت می‌زند قرآن ندی	کای گروهی جهل را گشته فدی
مر مرا افسانه می‌پنداشتید	تخم طعن و کافری می‌کاشتید
خود بدیدیت آنک طعنه می‌زدیت	که شما فانی و افسانه بدیت
من کلام حقم و قائم به ذات	قوت جان جان و یاقوت زکات
نور خورشیدم فتاده بر شما	لیک از خورشید ناگشته جدا ^۶

ادبیات فارسی شگفت‌انگیز غیر قابل انکار و جلوه‌گاهی از قرآن کریم و به تبع آن احادیث داشته که چند عامل در این امر دخیل بوده است. اولین عامل را می‌توان گفت که معتقدات نویسنده و شاعر است؛ چنان‌چه شاعر و نویسنده قرآن کریم را به‌عنوان یک کتاب کامل، جامع، مقدس و رهنمودی برای تمام ابعاد و مراحل زندگی مدنظر قرار داده و آموزه‌های آنرا در سروده‌ها و نوشته‌های خود بازتاب می‌دهد. دومین عامل مربوط به جایگاه و قدامت قرآن کریم نزد مسلمانان

^۴ محمد حنیف بلخی، *تضمینات* (بی‌جا: انتشارات نعمانی، ۱۳۸۵ ه.ش)، ۱۵۱-۱۶۰.

^۵ عباس اسلامی نژاد آرانی، *اثر‌پذیری حافظ از قرآن و احادیث* (کاشان: انتشارات مرسل، ۱۳۷۹ ه.ش)، ۱۲.

^۶ جلال الدین محمد مولوی بلخی، *مثنوی معنوی* (تهران: انتشارات پژوهش، ۱۳۸۴ ه.ش)، ۵۸۳/۳.

و جوامع اسلامی بوده است. به این ترتیب هر شاعر و نویسندهٔ مسلمان، تلاش جدی کرده‌اند تا با افزایش اطلاعات خود نسبت به این کتاب آسمانی، اشعار و نوشته‌های‌شان را با آیات و مضامین قرآن کریم بیارایند. هم‌چنان حکومت‌های اسلامی نیز یکی دیگر از عوامل تأثیرگذاری قرآن کریم و احادیث نبوی صلی‌الله‌علیه و سلم بر ادبیات فارسی دری به شمار می‌رود.

۳. شیوه‌های کاربرد هنری آیات و احادیث در اشعار حنیف بلخی

حنیف بلخی آیات قرآن کریم و احادیث نبوی صلی‌الله‌علیه و سلم را در شعر خود به کار برده است. این کاربرد با شیوه‌های گوناگونی هنرمندانه و شاعرانه از قبیل تلمیح، تضمین، اشاره، مفردات، جمع و کاربرد معانی صورت گرفته است که هر کدام از آن‌ها را با نمونه‌های شعری مورد بررسی قرار می‌دهیم:

۱.۳. تلمیح

تلمیح عبارت است این‌که گوینده در فحوای سخن خود به مثل یا بیت مشهوری از شعر و یا داستان معروفی اشاره کند؛ منظور ما در این‌جا تلمیحات قرآنی است که در این شیوه، شاعر درونمایهٔ اثر خود را بی آن‌که خود آیات قرآن کریم و یا احادیث و یا مضمون آن‌ها کاملاً آمده باشد، به آن‌ها اشاره می‌کند.^۷ این بزرگ‌مرد و عالم دین در ایجاد موضوعات خاصی، برای جلب توجه مخاطب از این صنعت ادبی بهره برده است:

ای باعث ایجاد دو عالم موجود دارای شفاعت و مقام محمود
احرام بدوش و هرزه گردی تا راه حرم ز لطف بنمای زود.^۸

﴿وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ﴾^۹، و تو را نفرستادیم/ی محمد صلی‌الله‌علیه و سلم با قوانین و احکام شرع جز رحمتی برای عالمیان^{۱۰} شاعر در این بیت با تأثیرپذیری از افکار دینی به آیت بالا اشاره دارد که عالمین جمع عالم است؛ شامل همه مخلوقات می‌شود و رحمت قرار گرفتن رسول خدا را آیه مبارکه ثابت می‌کند.

هم‌چنان در شعر دیگری صنعت تلمیح آمده است:

خواهی که شوی نزد همه مرد نبیل در راستی و کرم همچو خلیل
بگذر ز فریب و بخل زیرا که خدا داخل نکند به جتتش خسب و بخیل^{۱۱}

^۷ اسلامی نژاد آرانی، اثرپذیری حافظ از قرآن و احادیث، ۱۵.

^۸ محمد حنیف حنیف بلخی، دیوان اشعار (پشاور: بی‌نا، ۱۳۸۱ ه.ش)، ۸۴.

^۹ الانبیاء ۲۱/۱۰۷.

^{۱۰} عبدالروف مخلص، تفسیر انوار القرآن (انتشارات شیخ الاسلام احمد جام، ۱۳۸۸ ه.ش)، ۴/۶۶.

^{۱۱} حنیف بلخی، دیوان اشعار، ۸۶.

این شعر نیز به داستان خلیل اشاره دارد که بارها در قرآن کریم به داستان آن، جهت عبرت مخاطبان و آیندگان آمده است. هم‌چنان در شعر زیر بازهم از صنعت تلمیح سود جسته بیان می‌دارد:

خدا با یک نکه بهر جنبی که مویش آبروی لَیْلَةُ الْقَدَر
پیام «ما رمیت اذ رمیت» بود اعجاز او در ساحهٔ بدر^{۱۲}

شاعر در ابیات بالا اشاره به معجزات پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه و سلم دارد که در روز غزوه بدر اتفاق افتاده بود و در قرآن مجید حکایت آن است: «فَلَمْ تَقْتُلُوهُمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ قَتَلَهُمْ وَمَا رَمَيْتُ إِذْ رَمَيْتُ وَلَكِنَّ اللَّهَ رَمَى وَلِيُبْلِيَ الْمُؤْمِنِينَ مِنْهُ بَلَاءٌ حَسَنًا إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ»^{۱۳} پس شما آنان را نکشتید بلکه خدا آنان را کشت و چون [ریگ به سوی آنان] افکندی تو نیفکندی بلکه خدا، و بدین وسیله مؤمنان را به آزمایشی نیکو بیازماید قطعاً خدا شنوای داناست. خداوند جل جلاله این کار را فقط برای آن کرد تا بر مسلمانان نعمت‌های نیکو و زیبایی خود را ارزانی بدارد. شاعر با زبان ساده و گیرا، اوصاف و معجزات پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه و سلم را به مخاطبان بازگو می‌کند که ما امت چنین پیامبر صلی‌الله‌علیه و سلم با عظمتی هستیم، که اگر طبق سنت او رفتار کنیم پیروز و سربلند دو دنیا خواهیم بود؛ زیرا با معجزه نبوی در جنگ بدر سپاه مسلمانان بر سپاه قریش پیروز شد، با وجودی که سپاه مسلمانان اندک بود. همچنین شاعر در شعر زیر اشاره به داستان شب معراج و عظمت پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه و سلم دارد:

تویی که در شب معراج بر شدی ز همه قدوم ناز نهادی به آن سوی افلاک
ز دست نام گرامی تو به لوح ابد ز بعد نام خدا سکه در ازل سکاک^{۱۴}

شاعر با به کارگیری فن تلمیح در شعر فوق، به شب معراج اشاره دارد. البته در آن شب پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه و سلم نخست از مسجد الحرام به سوی مسجد اقصی رفته بود که در آیت قرآن مجید نیز ثابت شده است؛ چنان‌چه الله جل جلاله فرموده است: «سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى الَّذِي بَارَكْنَا حَوْلَهُ لِنُرِيَهُ مِنْ آيَاتِنَا إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ»^{۱۵} منزّه است آن [خدایی] که بنده اش را شبانهگاهی از مسجد الحرام به سوی مسجد اقصی که پیرامون آنرا برکت داده ایم سیر داد تا از نشانه های خود به او بنمایانیم که او همان شنوای

^{۱۲} حنیف بلخی، دیوان اشعار، ۲۲۷.

^{۱۳} الانفال ۸/۱۷.

^{۱۴} حنیف بلخی، دیوان اشعار، ۳۴۶.

^{۱۵} الاسراء ۱/۱۷.

بناست. در این آیه، واقعه اسری بیان شده است که معجزه ممتاز و امتیاز ویژه آن حضرت صلی الله علیه و سلم می باشد، عبارت اسری از اسراء مشتق است که معنوی لغوی آن بردن به شب است، سپس با لفظ «آیلاً» صراحت این مفهوم توضیح گردیده است. سفر مسجدالحرام به مسجد اقصی را اسراء گفته اند و از مسجد اقصی به سوی آسمان ها را معراج می گویند. اسراء از نص قطعی این آیت شریف ثابت است و ذکر معراج در احادیث متواتر نیز به ثبوت رسیده است.^{۱۶} شاعر نامدار این معجزه پیامبر صلی الله علیه و سلم را در شعر خود جا داده است.

گر بدانی «انتم الاعلون» را
چون عصای معجز قلزم شکاف
در صف جنگ از همه بالاستی
قاهر فرعون عهد ماستی^{۱۷}

حنیف بلخی در ابیات بالا، مجاهدین افغانستان را ستایش می کند. از این که کلامش گیرا و تأثیرگذار باشد به داستان غرق شدن فرعون در رود نیل تلمیح دارد. در ضمن به این آیه مبارکه نیز اشاره کرده است: «وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمُ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ»^{۱۸} و سست نباشید و اندوه نخورید و شما غالب می شوید اگر شما ایمان دارید. داستان غزوه احد در این آیت بیان شده است، مسلمانان در این غزوه با شکست مواجه شدند، طوری که تعداد هفتاد تن از صحابه کرام رضوان الله علیهم اجمعین شهید شدند و آن حضرت صلی الله علیه و سلم نیز مجروح گشت؛ ولی پس از این همه، وضعیت جنگ منعکس شد و دشمن به عقب رانده شد.^{۱۹} از این جهت شاعر، مجاهدین کشور را توصیه می کند که در مقابل متجاوزین و کافران ایستادگی کنند؛ زیرا خداوند همیشه وعده پیروزی را برای مؤمنان داده است؛ در ابیات زیر نیز به پیروزی حق اشاره دارد:

افراشت تا چو پرچم «قُلْ جَاء» در جهان
تا سقف در «كُنْتُ نَبِيٌّ» لعل معجزش
بازار شرک در هم زیر و زیر شده
عالم ز رمز خلقت آدم خبر شده^{۲۰}

در اشعار فوق، شاعر با هنرمندی، آیه را به عنوان نماد پیروزی حق و نابودی باطل در بستر تاریخی و معنوی ظهور پیامبر اسلام صلی الله علیه و سلم به کار برده است. شعر نه تنها تفسیر هنری آیه است؛ بلکه آنرا در قالب عرفانی و الهی جلوه می دهد.

^{۱۶} عثمانی، معارف القرآن، ۸/ ۱۶۱.

^{۱۷} محمد حنیف حنیف بلخی، نیزار (پشاور: بی نا، ۱۳۶۵ ه.ش)، ۲۲.

^{۱۸} آل عمران ۱۳۹/۳.

^{۱۹} عثمانی، معارف القرآن، ۳/ ۲۳۰.

^{۲۰} حنیف بلخی، دیوان اشعار، ۳۰۳.

﴿وَقُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا﴾^{۲۱} (و بگو: حق آمد) یعنی: آنچه که خداوند جل جلاله به پیامبرش صلی الله علیه و سلم از ظهور و پیروزی اسلام وعده داده، تحقق یافت (و باطل نابود شد) یعنی: شرک از میان برافتاد و مضمحل شد (هر آینه باطل همواره نابودشدنی است) زیرا باطل در ماهیت و جوهره عناصر خود از مایه‌های بقا برخوردار نیست؛ بلکه حیات موقت خویش را از عوامل خارجی و تکیه‌گاه‌های غیر طبیعی استمداد می‌کند پس چون این تکیه‌گاه‌ها سست شوند، باطل نیز فرو می‌پاشد؛ اما حق عناصر وجودی خویش را از ذات و ماهیت خود بر می‌گیرد.^{۲۲}

این خود نشان می‌دهد که نبوت پیامبر اسلام یک حقیقت ازلی است و معجزات او نیز، از جمله قرآن، گوهری درخشان در جهان است. هم‌چنان حنیف بلخی با استفاده از آیت و حدیث در شعر خود، نقش اسلام در هدایت بشری را بیان کرده است:

آیه نَشْرَحْ نشان انشراح سینه‌اش حسن او را سورة یوسف بود آینه‌دار
اولین منشور بر اسرار عرش شد فرود یعنی اِقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ از حضور کردگار^{۲۳}

شاعر در ابیات بالا به دو داستان قرآن کریم اشاره دارد: ﴿أَلَمْ نَشْرَحْ لَكَ صَدْرَكَ وَوَضَعْنَا عَنكَ وِزْرَكَ﴾^{۲۴} «یا برای تو سینه‌ات را نگشاده‌ایم، و بار گرانت را از [دوش] تو برداشتیم». ﴿اِقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ﴾^{۲۵} «بخوان بنام پروردگارت که آفرید».

یکی از بارزترین جلوه‌های ادبیات فارسی دری بخش تعلیمی آن است؛ یعنی تأکید بر آگاهی دانش و مبارزه با نادانی است. این درونمایه به‌ویژه در سدهٔ پسین با نقش مبارزه با نادانی بیشتر جلوه نموده است، البته حنیف بلخی از طریق شعر مردم را به سوی یادگیری دانش فرا می‌خواند و نخستین آیه قرآن کریم را در شعر خود نیز آورده و اشاره به داستان وحی و غار حرا کرده است.

﴿لَا أُحِبُّ الْاَقْلِينَ﴾ گویی که این نمرودیان سرنگون سازد به دوزخ یعنی آن میرور کو؟^{۲۶} حنیف بلخی در ابیات بالا به این آیه مبارکه اشاره دارد. ﴿فَلَمَّا جَنَّ عَلَيْهِ اللَّيْلُ رَأَى كَوْكَبًا قَالَ هَذَا رَبِّي فَلَمَّا أَفَلَ قَالَ لَا أُحِبُّ الْاَقْلِينَ﴾^{۲۷} پس چون شب برآمد (واو خدای خویش را از بالا می‌جست)

^{۲۱} الاسراء ۱۷/ ۸۱.

^{۲۲} مخلص، انوار القرآن، ۳/ ۴۳۸.

^{۲۳} حنیف بلخی، دیوان اشعار، ۱۸۵.

^{۲۴} الشرح ۱/ ۹۴-۲.

^{۲۵} العلق ۱/ ۹۶.

^{۲۶} حنیف بلخی، نیزار، ۶۱.

^{۲۸} الانعام ۶/ ۷۶.

ستاره‌ای دید گفت: این خدای من است و همین‌که غروب کرد و نشیب گرفت گفت: من نشیب گرفتگان وزیرینان را دوست ندارم.^{۲۸}

این آیت بیان‌گر استدلال توحیدی حضرت ابراهیم است که نشان می‌دهد هرچیزی که زوال‌پذیر باشد، نمی‌تواند شایسته پرستش باشد. در مصراع دوم، شاعر از نبود انسان‌های صالح و درستکار در میان این نمرودیان اظهار تأسف می‌کند. همچنین این مصراع یادآور آیات قرآنی است که در آن‌ها سرنوشت ستمگران و طاغوت‌ها معرفی شده است.

۲.۳. اشاره

اشاره عبارت است از آن‌که لفظ قلیل مشتمل بر معنی زیاد باشد و گوینده به تذکر اجمالی اکتفا کند و کلام او حاکی از کنایه و رمز باشد و با وجود اختصار، برای شنونده چیزهای زیادی را بیان نماید و شرط در آن ایما و اختصار و ترک تفسیر است. این روش به نویسنده یا شاعر اجازه می‌دهد تا بدون نقل مستقیم آیات و احادیث، با استفاده از الفاظ، ترکیب‌ها یا مضامین خاص، ذهن مخاطب را به آن‌ها معطوف کند. حنیف بلخی از این‌گونه اشاره‌های قرآنی در اشعار خود نیز داشته است:

تو با تار نفس، با پرده دل به بزم زندگی سازی نداری
دو بال «فَادْكُرُونِيْ وَاشْكُرُوْا لِيْ» تو را دادند و پروازی نداری^{۲۹}

دیده می‌شود که این شعر حنیف بلخی بازتابی از اندیشه تعلیمی و خدا باوری وی است که با استفاده از تصویرسازی‌های ژرف به معنای ارتباط انسان با خدا و زندگی اخلاقی پرداخته است. در بیت نخست، شاعر مذکور به ناتوانی انسان در استفاده از توانایی‌های درونی‌اش برای سازندگی زندگی اشاره می‌کند. او «تار نفس» و «پرده دل» را به عنوان ابزاری برای خلق زیبایی و رشد معنوی در نظر می‌گیرد؛ اما این ابزارها در صورت بی‌توجهی به جنبه‌های روحانی زندگی بی‌ثمر خواهند بود. در بیت دوم شاعر یاد شده، به دو اصل مهم معنوی و الهی با استشهاد به آیه قرآن مجید اشاره می‌کند: «فَادْكُرُونِيْ اَذْكُرْكُمْ وَاشْكُرُوْا لِيْ وَلَا تَكْفُرُوْنَ»^{۳۰} پس یاد کنید مرا، یاد کنم شما را؛ و شکر کنید مرا و ناسپاسی مکنید. این دو اصل به عنوان بال‌هایی برای پرواز انسان در مسیر رشد معنوی و نزدیکی به خدا مطرح شده‌اند. با این حال، شاعر گلایه کرده و از خواننده دعوت می‌کند که به

^{۲۹} انصار، تفسیر ادبی و عرفانی قرآن مجید ۱ / ۲۹۲

^{۲۹} حنیف بلخی، دیوان اشعار، ۳۰۰.

^{۳۰} البقره ۱۵۲/۲.

ابزارهای الهی درونی و دستورهای خداوند توجه کنند و از آن‌ها برای زندگی معنوی و سازنده بهره ببرند.

الا ای نوجوان عصر حاضر
بیا در حلقه‌های قوم آویز

به تنهایی نگردي هیچ قادر
اگر دانسته‌ای رمز و مشاور^{۳۱}

شاعر با الهام از مفاهیم دینی در این ابیات به حضور در اجتماع و استفاده از خرد جمعی و مشاورت، مخاطبان را دعوت می‌کند که اشاره به آیت کلام الله دارد: ﴿وَأْمُرْهُمْ شُورَىٰ بَيْنَهُمْ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ﴾^{۳۲} و کسانی که [ندای] پروردگارشان را پاسخ [مثبت] داده و نماز برپا کرده اند و کارشان در میان‌شان مشورت است و از آنچه روزی شان داده‌ایم انفاق می‌کنند.

تو را ای نوری چشمم راستگویم
رگ و رنگ و نسب برباد داده^{۳۳}

حنیف بلخی با تأثیرپذیری از دین مبین اسلام به مخاطب آگاهی می‌دهد که قوم‌پرستی برباد دهنده است؛ زیرا خداوند متعال ما را از یک مرد و یک زن آفریده تنها کسی نزد الله جل جلاله گرمی است که تقوا پیشه کند. ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ﴾^{۳۴} ای مردم ما شما را از مرد و زنی آفریدیم و شما را ملت ملت و قبیله قبیله گردانیدیم تا با یکدیگر شناسایی متقابل حاصل کنید در حقیقت ارجمندترین شما نزد خدا پرهیزگارترین شماست بی تردید خداوند دانای آگاه است.

۳.۳. تمثیل

یکی از شگردهای شاعرانه به کارگیری از آیات قرآن و احادیث پیامبر مبارک صلی الله علیه و سلم تمثیل است که تشبیه کردن را تمثیل گویند. مولوی محمد حنیف بلخی برای آگاهی مردم از این گونه هنر نیز سودجسته است؛ نمونه‌ها:

ای دل تو از این جهان پر غم بگذر
زین منبع جور و ظلم و ماتم بگذر

از دامن فقر دست خود باز مدار
از جاه وحشم چو ابن ادهم بگذر^{۳۵}

^{۳۱} حنیف بلخی، دیوان/اشعار، ۱۵۴.

^{۳۲} الشوری ۳۸/۴۲.

^{۳۳} حنیف بلخی، دیوان/اشعار، ۲۲۳.

^{۳۴} الحجرات ۱۳/۴۹.

^{۳۵} حنیف بلخی، دیوان/اشعار، ۳۱۷.

﴿وَمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَهُوٌّ وَلَعِبٌ وَإِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ لَهِيَ الْحَيَوَانُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ﴾^{۳۶} و نیست این زندگانی دنیا مگر بیهوده و بازی، بی گمان سرای آخرت همان زندگی حقیقی است، اگر [مردم] می دانستند، یعنی در این دنیا خود را به خاطر هر چیزی آزار مده و بگذرد در غم اندوه این دنیا چون بیهوده است. انسان را لازم است که نسبت به زندگی چند روزه دنیا فکر آخرت را بیشتر داشته باشد؛ زیرا زندگی اصلی همانا آخرت است، نباید در لهو و لعب دنیا فریب بخورد.^{۳۷}

ای حادثه ها مباش دل‌سنگ دگر بر شیشه عیش خود مزین سنگ دگر
دروازه آشتی به رویت باز است چون صلح بود خیر مکن جنگ دگر^{۳۸}

مولوی حنیف حنیف بلخی در ابیات بالا، مخاطبان را به صلح و آشتی دعوت می کند و هنرمندانه به آیه مبارکه ﴿بَشِّرِ الْمُتَّقِينَ بَأَنَّ لَهُمْ لَهْمٌ عَذَابًا أَلِيمًا﴾^{۳۹} اشاره کرده است. پروردگار می فرماید: منافقان را خبر ده که ایشان را عذابی دردناک است.^{۴۰}

خواهی که چو شبنم به پری راه به خورشید با قلب صفا گوشه دامن سحر گیر
اشکی که زدل خیزد و از دیده بریزد در رشته جانش همه چون لولو تر گیرد^{۴۱}

بی گمان مولوی محمد حنیف حنیف بلخی از دین مبین اسلام آگاهی بهتر دارد، از این جهت با شگرد شاعرانه اشاره به سخنان پیامبر می کند؛ قال رسول الله صلی الله علیه و سلم: ﴿إِذَا اسْتَيْقَظَ الرَّجُلُ مِنَ اللَّيْلِ وَابْتَقَطَ أَمْرُهُ فَصَلِّ رَكَعَتَيْنِ كُتِبَ لَهُمُ الذِّكْرُ كَثِيرًا وَالذِّكْرُ أَكْرَبُ﴾^{۴۲} حضرت محمد صلی الله علیه و سلم فرمود: وقتی که بیدار شود مردی و بیدار ک
ند اهل یا خانم خود را و هر دو رکعت نماز بخواند. در اعمال نامه اش از جمله کسانی نوشته می شود که همیشه ذکر می کند.

^{۳۶} العنکبوت ۲۹/۶۴.

^{۳۷} شبیر احمد دیوبندی، تفسیر کابلی، مترجم محمود حسندیوبندی (بی جا، بی نا، ۱۴۰۰ هـ.ش)، ۱۲/۳.

^{۳۸} حنیف بلخی، دیوان / شعار، ۱۱۶.

^{۳۹} النساء ۴/۱۳۸.

انصاری، تفسیر ادبی و عرفانی قرآن مجید، ۴۰۲۲۴/۱.

^{۴۱} حنیف بلخی، دیوان / شعار، ۲۰۶.

^{۴۲} القزوی، ابن ماجه، کتاب الصلوات / ۱۳۳۵.

خلوت و انجمن دل است این جا

فهم اسرار مشکل است این جا^{۴۳}

روی همین ارزشمندی نازک بودن دل است که خداوند جل جلاله حواریون (اصحاب) مسیح علیه السلام را این طور می‌ستاید: ﴿وَجَعَلْنَا فِي قُلُوبِ الَّذِينَ اتَّبَعُوهُ رَأْفَةً وَرَحْمَةً وَرَهْبَانِيَّةً ابْتَدَعُوهَا مَا كَتَبْنَاهَا عَلَيْهِمْ إِلَّا ابْتِغَاءَ رِضْوَانِ اللَّهِ فَمَا رَعَوْهَا حَقَّ رِعَايَتِهَا فَآتَيْنَا الَّذِينَ آمَنُوا مِنْهُمْ أَجْرَهُمْ وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ فَاسِقُونَ﴾^{۴۴} حواریون دین عیسی علیه السلام احکام انجیل را به خاطر این که خداوند به دل‌های ایشان رأفت، مهربان و نزاکت را اعطا کرده بود قبول نمودند. معنای رأفت که در آیه کریمه ذکر شده عبارت از نزاکت و نرمی و مراد از رحمت شفقت و مهربانی است.^{۴۵}

تا که وصف نماز می‌گویم	خامه‌ام را به مشک می‌شویم
دین هر چه زسوز و ساز آورد	بعد توحید حق، نماز آورد
رکن اول ز دین اسلام است	پایه بس متین اسلام است
رمز والای اتحاد در آن	هست مانند آفتاب عیان ^{۴۶}

در ابیات فوق اشاره به سوی این که رکن دوم نماز و نیز نماز رمز اتحاد است، بیان کرده است. از این که عمده‌ترین عمل در باب عبادات، نماز است. در صحیح مسلم از حضرت جابر روایت است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم فرمودند: مانع در میان بنده و کفر نماز است. در باب نماز آیات قرآن و احادیث زیادی به ما رسیده است.^{۴۷} شاعر معاصر با تأثیرپذیری از اندیشه‌های اسلامی، مردمان را به بهترین عبادت، به وسیله زبان شاعرانه دعوت می‌کند.

مرد دو دل به منزل مقصود کی رسد زیرا به پای لا و نعم راه می‌رود^{۴۸}

مرد دو دل در سر نوشت خود کم از کور دل نیست؛ زیرا هر دو نیازمند عصا و عصاکش اند، کسی که در رفتن و نرفتن خویش به جایی تصمیم قطعی نداشت. این را کنایه ضعف اراده، باعث سکتگی در امور و سبب ناکامی، محرومیت و ناامیدی است. پروردگار عالم می‌فرماید: ﴿مَا جَعَلَ

^{۴۳} حنیف بلخی، دیوان اشعار، ۹۱.

^{۴۴} الحدید ۲۷/۵۷.

^{۴۵} دیوبندی، تفسیر کابلی، ۳/۶۹۸.

^{۴۶} حنیف بلخی، تضمینات، ۴۰.

^{۴۷} ثناء الله پانی پتی، احکام و مسائل فقه حنفی به زبان ساده (بی‌جا: بی‌نا، ۱۳۹۴هـ.ش)، ۱۵.

^{۴۸} محمد حنیف حنیف بلخی، اسرار و احوال دل (بی‌جا: مطبعة طباعتی احمد، ۱۳۸۸هـ.ش)، ۱۰۸.

اللَّهُ لِرَجُلٍ مِّنْ قَلْبَيْنِ فِي جَوْفِهِ»^{۴۹}، خدای تعالی برای هیچ مردی دو دل در داخل بدن او نیافریده است.^{۵۰} این آیت در شأن مردی فرو آمد نام وی ابو معمر الفهری، او را ذوالقلین می گفتند از بهر آن که دعوی می کرد که در سینه من دو دل وجود دارد.^{۵۱}

۴.۳. تضمین

این صنعت ادبی را به دو طرز مورد استفاده قرار داده اند. یکی تضمین کلی است که آیتی را مکمل در کلام ذکر کنند و در تضمین جزئی قسمتی از آیت در ضمن سخن ذکر شده جزو آن قرار می گیرد و این نوع از گونه نخست زیادتر بوده است، در آغاز و یا انجام سخن می آید و هر دو نوع تضمین در اشعار حنیف بلخی دیده می شود؛ چنان چه می گوید:

در حلقه دین بی عیب در در دارالسلام حق بلاریب در
بگذر ز ظواهر و یقین کامل کن اندر صف «یومنون بالغیب» در^{۵۲}

شاعر با استناد به آیت قرآن کریم مخاطبان را به دین حق دعوت می کند. الله جل جلاله می فرماید: ﴿الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَهُمْ يُنْفِقُونَ﴾^{۵۳} آنانی که ایمان دارند به چیزهای نادیده و برپا می دارند نماز را و از آنچه ما روزی داده ایم خرج می کنند؛ یعنی خدا ترسان کسانی هستند که به امور غیبی باور دارند. مراد از غیب در قرآن همه آن چیزهایی است که آن حضرت صلی الله علیه و سلم از وجود آنها اطلاع داده است و نمی توان آنها را با حواس پنجگانه حس کرد.^{۵۴}

ای آن که تو از رموز دین با خبری می کوش زخود بیش به نفع دیگری
فرموده پیغمبر که مسلمان آنست از دست زبان او نیاید ضرری^{۵۵}

و قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: [مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَلْيَقُلْ خَيْرًا أَوْ لِيَصْمُتْ]^{۵۶} و فرمود پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم کسی که به خدا و روز آخرت ایمان دارد باید سخن نیکو

^{۴۹} الاحزاب ۴/۳۳.

^{۵۰} دهلوی، ترجمه قرآن کریم، ۴۱۸.

^{۵۱} خواجه عبدالله انصاری، تفسیر ادبی و عرفانی قرآن مجید (تهران: اقبال، ۱۳۸۰ ه.ش)، ۴.

^{۵۲} حنیف بلخی، دیوان اشعار، ۹۳.

^{۵۳} البقره ۲/۲.

^{۵۴} عثمانی، معارف القرآن، ۱۳۱/۱-۱۳۲.

^{۵۵} حنیف بلخی، دیوان اشعار، ۳۰۳.

^{۵۶} البخاری، صحیح البخاری، کتاب الأدب / ۶۰۱۸.

بگویند یا خاموشی گزینند ملاحظه می‌شود که مولوی حنیف بلخی در ابیات بالا، حدیث پیامبر صلی‌الله علیه و سلم را نقل کرده است که مخاطبان باید طبق گفته‌ای پیامبر اسلام صلی‌الله علیه و سلم به کسی ضرر نرسانند، حتا با زبان خود.

ترازو در کف بقال وسواس
دلش در قبضه شیطان خناس
نمی‌ترسد ز روز واپسینی
ندانسته «اذا کتالوا علی الناس»^{۵۷}

شاعر از حنجره شعر فریاد می‌کشد که روز واپسینی آمدنی است، نباید در ترازو خیانت کرد، الله جل جلاله در کلام خود می‌گوید: «الَّذِينَ إِذَا أَكْتَالُوا عَلَى النَّاسِ يَسْتَوْفُونَ»^{۵۸}. آنانی که چون از مردم پیمانه ستانند تمام ستانند.

گفت: این از دولت ایمان بود
این همه از وعده قرآن بود
من ز «بل احیاء» همی نازم کنون
تو به پشت پرده «لایشعرون»^{۵۹}

شاعر در این ابیات به زنده بودن شهید که از وعده‌های قرآن کریم است اشاره می‌کند و مجاهدین افغانستان را تشویق و ترغیب می‌کند. به‌خاطر که خداوند جل جلاله در این آیه مبارکه می‌فرماید: «وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ يُقْتَلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتٌ بَلْ أَحْيَاءٌ وَلَكِنْ لَا تَشْعُرُونَ»^{۶۰} مگویند کسی را که کشته شده در راه خدا که مردگانند؛ بلکه آن‌ها زنده‌اند و لیکن شما نمی‌دانید.^{۶۱} هم‌چنان در بیت زیر یک تصویر حماسی از جهاد، پایداری و شهادت دارد. حنیف بلخی خود را وابسته به آرمان جهاد و شهادت می‌داند و این ارتباط را به گونه‌ای بیان می‌کند که سرنوشت او با ریسمان‌هایی از جنس شهادت درهم تنیده شده است.

رشته‌های «من رباط الخیل» با «من قوه»
سخت پیچیده به هم با رشته تار شهید^{۶۲}

^{۵۷} حنیف بلخی، دیوان اشعار، ۵۰.

^{۵۸} المطففین ۸۳/۲.

^{۵۹} حنیف بلخی، نیزار، ۴۸.

^{۶۰} البقره ۱۵۴/۲.

^{۶۱} عثمانی، معارف القرآن، ۱۵۴/۱.

^{۶۲} حنیف بلخی، نیزار، ۴۹.

۵.۳. اقتباس

اقتباس در لغت به معنی پرتو نور و فروغ است، در اصطلاح اهل ادب آن است که شاعر آیتی یا حدیثی یا بیت معروفی را در شعر خویش بیاورد^{۶۳}، خواه بی هیچ تغییری و خواه با اندک تغییری که ضرورت وزن و قافیه ایجاد می‌کند و یا خواه با همان مفهوم اولیه به کار ببرد.^{۶۴} حنیف بلخی با به کارگیری از شیوه اقتباس، آیات قرآن شریف و احادیث نبوی را در شعر خود آورده و سخن خود را مستدل ساخته است تا خوانندگان مفاهیم و آموزه‌های دینی را با بیان زیبا و زبان شاعرانه بهتر درک بکنند؛ نمونه‌ها:

گرائیدی به بعد و بون مستی	به چشمانت نباشد لون مستی
بیا بشکن خمار و گرم برخیز	ز جام (انتم الاعلون) مستی ^{۶۵}

«وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزِنُوا وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ»^{۶۶} و سست نباشید و اندوه نخورید و شما غالب می‌شوید اگر شما ایمان دارید.

برای اهل خود ای مرد دانا	نیکو استاد و نیکو رهبر شو
به فرزندان خود حق را بیاموز	ز رمز کلکم راع خبر شو ^{۶۷}

حدیث: { قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كُلُّكُمْ رَاعٍ وَكُلُّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ }^{۶۸} حضرت محمد می‌فرماید: همه شما مسئول هستید و همه شما به زیر دستان تان مسئول هستید".

در روایت بالا خطاب به رئیس خانواده‌ها چی پدر باشد و یا مادر گفته شده که تو مثل یک استاد نیک و یک رهبر نیکو باشد و برای فرزندان (پسر، دختر) حق و راه دین را بیاموز و تمام اصول و قواعد و راه و روش زندگی آن‌ها را آگاه کن، چون رسول الله صلی الله علیه و سلم می‌فرماید که شما به زیر دستان تان مسئول هستید، بعضی مسئولیت اعضای فامیل تان به دوش شماست.

^{۶۳} جلال الدین همایی، فنون بلاغت و صناعات ادبی (تهران: اهورا، ۱۳۸۹ ه.ش)، ۲۳۹.

^{۶۴} اسلامی نژاد آرانی، اثر پدیری حافظ از قرآن و احادیث، ۱۴.

^{۶۵} حنیف بلخی، دیوان اشعار، ۲۲۱.

^{۶۶} آل عمران ۳/ ۱۳۹.

^{۶۷} حنیف بلخی، دیوان اشعار، ۱۱۰.

^{۶۸} البخاری، کتاب الجمعة/ ۸۹۳

لیس للانسین الا ما سعی
امت اسلام را بر آستان سعی و کار
انما المومن شعار اتحاد و باهمی
وز اعدوا پایه دین او شد استوار^{۶۹}

در این ابیات به آیات قرآن مجید اشاره شده است: «وَأَنْ لَّيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى»،^{۷۰} و این که برای انسان جز حاصل تلاش او نیست. «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ».^{۷۱} تلاش و امیدواری یکی از ویژگی‌های است که در برابر سختی‌های زندگی به انسان انگیزه می‌دهد، حنیف بلخی با زبان ساده و تأثیرپذیری از قرآن مجید، مردم را به سعی و تلاش آگاهی داده است.

۶.۳. مفردات

یعنی آوردن مفردات لغات قرآن شریف در میان جمله‌ها و ابیات خود، این شیوه را حنیف بلخی نیز به کار گرفته است؛ همچون:

سوار لشکر تو رحمت است و لطف و کرم
نشان پرچم و لای تُست ارسلناک^{۷۲}

شاعر به آیت سورة بقره اشاره کرده است: «وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ»،^{۷۳} و نفرستادیم ترا مگر رحمت برای جهانیان.

خواهی که ترا رضای رحمان باشد
نامت به قطار اهل وجدان باشد
درعهد و امانت بسی محکم باش
دین عهد امانت ایمان باشد^{۷۴}

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ»،^{۷۵} ای کسانی که ایمان آورده‌اید به قراردادها وفا کنید. با نگاهی گذرا بر تاریخ، می‌توان گفت که شاعران ثابت کرده‌اند که در سامان‌دهی فرهنگ شایسته و توان‌بخشی اخلاق نیکو در جامعه خود، می‌توانند، نقش ارزشمندی را ایفا نمایند؛ زیرا بیان ساده و زبان‌گیرای شاعرانه باعث می‌شود تأثیر بیشتر برای مخاطبان داشته باشد.

^{۶۹} حنیف بلخی، دیوان اشعار، ۲۴۸.

^{۷۰} النجم ۳۹/۵۳.

^{۷۱} الانفال ۶۰/۸.

^{۷۲} حنیف بلخی، دیوان اشعار، ۱۵۷.

^{۷۳} البقره ۸۷/۲.

^{۷۴} حنیف بلخی، دیوان اشعار، ۲۱۲.

^{۷۵} المائده ۱/۵.

بر فروزان آفتابی باز ای «رب الفلق» از شکنج این شب دیجور و شام تار ما^{۷۶}

این ابیات اشاره دارد به سورة الفلق. شاعر از رب الفلق می خواهد که شب تاریک ما را روشنی بخش. ملاحظه می شود که شاعر هنرمندانه به پروردگار پناه برده است. ذکر نام رب در این جا نشان دهنده پرورش و مراقبت خداوند است؛ زیرا اوست که از تمام مضرات حفظ می کند.^{۷۷}

۷.۳. جمع

صنعت جمع؛ آوردن لغات و الفاظ قرآن شریف در میان جمله ها و ابیات به شکل زیبا و هنرمندانه است. حنیف بلخی از این شیوه نیز سود جسته است؛ مانند:

چاره ساز چارهی بیچاره گان ای پناه و مرجع آوارگان
تاکنیدی بگوش آرزو از کرم عصاره «لاتقنطوا»^{۷۸}

ابیات فوق اشاره به جلوه هنری و عاطفی آیه ای مبارکه است که پیام اش را با زبان احساس و هنری بیان می کند. آیه شریف دعوتی است به بازگشت، به امید و به رحمت بی پایان خداوند کریم و شاعر آنرا در یک قالبی لطیف و زیبا برای هم نوعان خویش بیان نموده است.

﴿قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ﴾^{۷۹} بگو ای بنده گان من که بر خویشتن زیاده روی روا داشته اید از رحمت خدا نومید مشوید در حقیقت خدا همه گناهان را می آمرزد که او خود آمرزنده مهربان است.

با آن مخاطب فرخنده و لا تحزن که بود مونس تو اندر آن خجسته مغاک^{۸۰}
شاعر برای مردم آگاهی می دهد که هرگز غمگین مباشید؛ زیرا پروردگار عالم فرموده است:
﴿لَا تَحْزَنْ إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا فَإِنَّزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَيْهِ﴾^{۸۱} "غمگین مشو؛ بی شک، الله همراه ماست؛ پس فرود آورد الله تسکین خود را بروی".

^{۷۶} حنیف بلخی، نینزار، ۱.

^{۷۷} شهاب الدین السید محمود الالوسی البغدادی، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم والسبع المثانی (لبنان: بیروت، ۱۴۲۲هـ.ق)، ۵۱۸/۱۵.

^{۷۸} حنیف بلخی، دیوان اشعار، ۷۸.

^{۷۹} الزمر ۵۳/۳۹.

^{۸۰} حنیف بلخی، دیوان اشعار، ۱۵۷.

^{۸۱} التوبه ۱۰/۹.

ز «کَرَمَنَا» سرشت و مایه تو
اگر هوی ز دل بیرون بریزی
فرا باشد ز گردون پایه تو
هما بنشیند اندر سایه تو^{۸۲}

حنیف بلخی با استناد به آیت قرآن مجید مقام فرزندان آدم را خیلی بلند می‌شمارد. خداوند در کلام پاک خود فرموده است: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ»^{۸۳} و هر آئینه بزرگ ساختیم فرزندان آدم را و بر داشتیم ایشان را در بیابان و دریا.

۸.۳. کاربرد معانی

شیوه دیگری به کارگیری آیات و احادیث کاربرد معانی آن است؛ یعنی معنا و مفهوم آیت و حدیث را در شعر خود بیاورد یا آنرا ترجمه کند. این شیوه درک عالمانه از دین می‌خواهد. از این که شماری از سروده‌های این سخن‌سرای بلخی با درون‌مایه‌های گوناگون اخلاقی، برای بیدارسازی وجدان‌های خفته آدمی پرداخته و به اصلاح جامعه و سرزمین ما گام‌های کارسازی برداشته است، شاعر عالم دین و مفسر قرآن بوده است. باید اعتراف کرد که ادبیات و شعر با داشتن ظرفیت‌هایی بی‌مانند و ابزار کارگر و داشتن زبان سحرآمیز، همواره توجه دین و مذهب بوده است. هرچند کسانی که به اتکاء مبانی و اصول دینی و اخلاقی از شعر و شاعری اجتناب می‌ورزیدند، دست-آویزشان این بود که در شعر سخنان هرزه و یافه فراوان است، از این‌روست که شاعران نزد علمای دین مورد بغض و نفرت بوده‌اند^{۸۴}؛ اما این واقعیت غیر قابل انکاریست که با گذشت زمان، شاعران توانسته‌اند خدمات قابل توجهی به دین و مذهب و جامعه انسانی-اخلاقی، دستگاه‌های بزرگ تبلیغاتی بوده‌اند و در دل و اندیشه مردم با زبان شیرین و سحرآمیزشان ریشه دوانده‌اند؛ زیرا بسیاری از شاعران عالمان دین بودند، مانند حنیف بلخی که همیشه برای بیداری مردم از حنجره شعر فریاد کشیده و مفاهیم قرآنی و روایی را در شعر خود بازتاب داده است؛ نمونه‌ها:

گر ز غفلت وارهیدن آرزو داری بخیز
نیم شب از دیده خود دستگاه خواب ریز^{۸۵}
حدیث: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم، «أَفْضَلُ الصَّلَاةِ بَعْدَ الْفَرِيضَةِ صَلَاةُ اللَّيْلِ»^{۸۶} رسول
الله صلى الله عليه وسلم می‌فرماید: (بهترین یا افضل‌ترین نماز بعد از نمازهای فرض نماز شب
یعنی نماز تهجد می‌باشد).

^{۸۲} حنیف بلخی، دیوان/ اشعار، ۳۲۶.

^{۸۳} البقره ۷۷/۲.

^{۸۴} عبدالحسین زرین‌کوب، نقد ادبی (تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۹ ه.ش)، ۴۰/۱.

^{۸۵} حنیف بلخی، دیوان/ اشعار، ۳۰۳.

^{۸۶} احمد ابن حنبل، المسند، (۱۱۷۲۴).

نیست سودای سما در اوج پرواز غرور تا تواضع استخوان سوده از خاک گیر^{۸۷}
 حدیث: عن عبدالله رضی الله عنه، قال، قال رسول الله صلى الله عليه و سلم: [لَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ مَنْ كَانَ فِي قَلْبِهِ مِثْقَالُ ذَرَّةٍ مِنْ كِبَرٍ]^{۸۸} حدیث پیامبر گرامی است که فرموده‌اند: کسی که به اندازه یک ذره کبر در قلب خود داشته باشد وارد بهشت نمی‌شود.
 و هم چنان می‌فرماید: [مَنْ تَوَاضَعَ لِلَّهِ رَفَعَهُ اللَّهُ دَرَجَاتٍ].^{۸۹} هر کسی که به خاطر خداوند جل جلاله تواضع داشته باشد، خداوند او را بالا می‌برد.

چرا خود را ندانی محرم مرگ رها کردی ز کف جام و جم مرگ
 اگر از مرگ می‌ترسی عزیزم نباشی زنده هرگز تا دم مرگ^{۹۰}

دیده می‌شود که شاعر با اندیشه‌های عالمانه و عارفانه خود مرگ را هر لحظه محرم خود می‌داند؛ زیرا هر زنده جان را مرگ است و در وقت معین؛ در قرآن کریم نیز آمده است: ﴿وَلِكُلِّ أُمَّةٍ أَجَلٌ فَإِذَا جَاءَ أَجَلُهُمْ لَا يَسْتَأْخِرُونَ سَاعَةً وَلَا يَسْتَقْدِمُونَ﴾^{۹۱} و هر گروهی را معیاد است؛ پس چون بیاید معیاد ایشان، تأخیر نمی‌توانند ساعتی [ثانیه]، و نه سبقت می‌توانند.
 رو به محراب مدعا آور سجده کام دل بجا آور^{۹۲}

در بیت فوق اشاره است به حدیث رسول الله صلى الله عليه و سلم: [أَقْرَبُ مَا يَكُونُ الْعَبْدُ مِنْ رَبِّهِ وَهُوَ سَاجِدٌ فَأَكْثَرُوا الدُّعَاءَ]^{۹۳}
 در بیت بالا مولوی محمد حنیف اشاره می‌کند که یکی از صفات ممتاز و برگزیده دل پیوند، علاقه و وابستگی به مسجد است که این شیوه او طبعاً نشانه خداجویی، عبادت و یگانه پرستی است. طبیعی است که مرکز بزرگ ایمان دل است و در محضر دل ایمان شخص تصدیق می‌شود پس عادت گرفتن در رفتن مسجد نشانه ایمان و ایمان مربوط دل بوده پس واضح می‌شود که علاقه به مسجد از علایق دل به مسجد است.

^{۸۷} حنیف بلخی، دیوان اشعار، ۱۳۲

^{۸۸} نیشابوری، صحیح مسلم، ج اول، کتاب الایمان / ۳۴

^{۸۹} نیشابوری، صحیح مسلم، ج اول، کتاب الصوم / ۱۱۶۳

^{۹۰} حنیف بلخی، دیوان اشعار، ۳۷۶.

^{۹۱} الاعراف ۳۳/۷.

^{۹۲} حنیف بلخی، احوال و اسرار دل، ۳۷.

^{۹۳} نیشابوری، صحیح مسلم، ج اول، کتاب الصلاة / ۱۰۱

گر بخیزی خشم‌گین و پرستیز
کاخ دشمن را نمایی ریز ریز
می‌شوی در مصر آزادی عزیز
دشمن از دست تو گردد در گریز^{۹۴}

بشکنی زنجیر و بند و بردگی
گر کنی تکیه به بازوی جهاد
یوسفستان می‌کنی خاک وطن
گر بگیری دامن قرآن و دین
و یا:

دشمن ناپاک را از خاک بیرون می‌توان
اژدهای سرخ را این‌گونه افسون می‌توان^{۹۵}

با فشار و ضربه و شلاق و دست اتحاد
لشکر دشمن توان بشکست با یک لاله

در ایات بالا، اندیشه اسلامی؛ یعنی ستایش جهاد تجلی یافته است. حنیف بلخی با استفاده از زبان شعری، اهمیت جهاد را در حفظ آزادی، کرامت انسانی و استقلال وطن برجسته می‌کند. مثلاً اهمیت اتحاد و همبستگی مردم برای بیرون راندن دشمن از خاک وطن، شکستن زنجیرهای بندگی و دستیابی به آزادی و خیزش مردم را عامل اصلی برای پایان دادن به اسارت معرفی می‌کند. هم‌چنان موفقیت در جهاد زمانی ممکن است که افراد از ارزش‌های دینی و آموزه‌های قرآنی پیروی کنند. جهاد با کفار باید با قلب صورت بگیرد؛ یعنی بدین ترتیب که از آنان متنفر باشی، روابط دوستی با آنان برقرار نکنی و بهترین مخلوقات کسی است که مراتب جهاد را به پایان برساند.^{۹۶}

^{۹۴} حنیف بلخی، *نیزار*، ۱۳.

^{۹۵} حنیف بلخی، *نیزار*، ۴.

^{۹۶} عمرو خالد، *اصلاح قلب‌ها* (مشهد: انتشارات واسع، بی‌تا)، ۲۳۵.

نتیجه‌گیری

در فرجام تحقیق با بررسی اشعار حنیف بلخی دریافتیم که وی با بهره‌گیری هنرمندانه از آیات قرآن کریم و احادیث نبوی صلی‌الله علیه و سلم، توانسته است به سروده‌های خود ژرف معنایی و تأثیرگذاری ویژه‌ای بخشد و ادبیات ما همیشه با دین پیوند تنگاتنگ داشته است. او این منابع اسلامی را به شیوه‌های مختلفی به کار برده است. این استفاده نه تنها در قالب تلمیح و اشاره‌های ظریف دیده می‌شود؛ بلکه در کاربرد مستقیم مفردات قرآنی، ترکیبات برگرفته از کلام الهی، تضمین و استنباط معانی نیز جلوه‌گر بوده است که این گونه کاربرد در ادبیات شیوه هنری محسوب می‌شود. بهره‌گیری از این شیوه‌های گوناگون نشان‌دهنده میزان تسلط شاعر بر آموزه‌های دینی و میزان آشنایی او با ساختار و مفاهیم قرآنی و احادیث نبوی صلی‌الله علیه و سلم است.

یکی از مهمترین ویژگی‌های شعر وی در این زمینه، توانایی او در تلفیق لطیف و هماهنگ عناصر دینی با سبک ادبی و هنری خویش است. او مفاهیم قرآنی و احادیث نبوی صلی‌الله علیه و سلم را به گونه‌ای در ساختار شعر خود جای داده که مخاطب از یکسو از زیبایی لفظی و ادبی آن لذت برده و از سوی دیگر به مفهوم پیام‌های دینی و اخلاقی آن نیز پی می‌برد. این شاعر با گزینش دقیق آیات و احادیث متناسب با موضوع شعر، بر غنای فکری و معنوی اشعارش افزوده و در بسیاری از موارد، مفاهیم قرآن و احادیث را با زبان شاعرانه و هنرمندانه بازتاب داده است.

یکی دیگر از جنبه‌های هنری وی در شعر، شیوه استفاده از تضمین در اشعار اوست. او گاه آیات و احادیث را عیناً در متن شعر خود آورده و با تلفیق آن با دیگر ابیات، توانسته است بر تأثیرگذاری و استحکام کلام خود بی‌فزاید. این روش افزون بر ایجاد نوعی انسجام معنایی در شعر، موجب می‌شود که اشعار او برای خوانندگان دارای اعتبار و حجت بیشتری باشند و جنبه استدلال قوی‌تری پیدا کنند. هم‌چنان کاربرد مفاهیم قرآنی و احادیث نبوی صلی‌الله علیه و سلم در آثار او، تنها به سطح الفاظ و عبارات محدود نمی‌شود؛ بلکه در لایه‌های ساختار فکری و اندیشه او را نیز شکل گرفته است. او گاه گاهی به ستایش مجاهدین افغانستان نیز پرداخته است. این امر سبب می‌شود که شعر او افزون بر ارزش ادبی، دارای بعد معنوی و معرفتی والایی نیز باشد.

درمجموع دریافت‌های تحقیق روشن می‌سازد که حنیف بلخی با تفسیر و تأویل‌های عالمانه، شاعرانه و هنرمندانه مفاهیم قرآنی و احادیث نبوی صلی‌الله علیه و سلم را در ساختار شعری خود به شیوه‌های فن ادبی از قبیل تلمیح، تضمین، جمع، مفردات، اشاره، اقتباس و تمثیل جای داده است، آن هم در روزگاری که جامعه بیشتر زیر تأثیر اندیشه‌های متجاوزین قرار گرفته بود؛ وی با بهره‌گیری از شیوه‌های مختلف یادشده، پیوند هنرمندانه میان شعر و معارف اسلامی ایجاد کرده و آثار خود را به نمونه درخشان از ترکیب ادبیات و آموزه‌های معارف اسلامی تبدیل نموده است. ازاین‌رو، اشعار او حامل پیام‌های ارزشمند اخلاقی، دینی و معرفتی‌اند که می‌توانند تأثیر زیاد بر

ذهن و روح مخاطبان جامعه داشته باشد. این رویکرد نه تنها موجب تقویت پیام معارف اسلامی شده؛ بلکه به حفظ و گسترش ارزش‌های اسلامی کمک کرده است؛ زیرا تلفیق و پیوند منابع قرآنی با فنون ادبی در اشعار او به گونه‌ای انجام شده که مفاهیم دینی با زبان شیوا و شاعرانه بیان شده و تأثیر به سزایی بالای مخاطبان ایجاد می‌کند.

فهرست منابع

قرآن کریم

۱. اسلامی نژاد آرانی، عباس. *اثر پندیری حافظ از قرآن و احادیث*. کاشان: مرسل، ۱۳۷۹ هـ.ش.
۲. الالوسی البغدادی، شهاب الدین السید محمود. *روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم والسبع المثانی*. ج ۱۵. لبنان: بیروت، ۱۴۱۵ هـ.ق.
۳. المیبدی، ابوالفضل رشیدالدین. *کشف الاسرار و عدة الابرار*. جلد هشتم. چاپ هفتم. تهران: امیر کبیر، ۱۳۸۸ هـ.ش.
۴. انصاری، خواجه عبدالله. *تفسیر ادبی و عرفانی قرآن مجید*. چاپ چهاردهم. تهران: اقبال، ۱۳۸۰ هـ.ق.
۵. انوشه، حسن و دیگران. *دانشنامه ادب فارسی*. ج ۳، چاپ دوم. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۱ هـ.ق.
۶. بخاری، محمد بن اسماعیل. *صحیح البخاری*، ج ۱، بیروت: دار طوق النجاة، ۱۴۲۲ هـ.ق.
۷. پانی پتی، ثناء الله. احکام و مسایل فقه حنفی به زبان ساده. بی‌جا: بی‌نا، ۱۳۹۴ هـ.ش.
۸. حنیف بلخی، محمد حنیف. *ارمغان بلخ*. بلخ: مطبعة دولتی، ۱۳۴۶ هـ.ق.
۹. حنیف بلخی، محمد حنیف. *پرطاووس: شعر فارسی در آریانا*. بی‌جا: بی‌نا، ۱۳۶۴ هـ.ش.
۱۰. حنیف بلخی، محمد حنیف. *نیزار: پشاور: بی‌نا، ۱۳۶۵ هـ.ش*.
۱۱. حنیف بلخی، محمد حنیف. *دیوان حنیف بلخی*. پشاور: بی‌نا، ۱۳۸۱ هـ.ش.
۱۲. حنیف بلخی، محمد حنیف. *تضمینات: انتشارات نعمانی، ۱۳۸۵ هـ.ش*.
۱۳. حنیف بلخی، محمد حنیف. *اسرار و احوال دل: مطبعة طباعتی و صنعتی احمد، ۱۳۸۸ هـ.ش*.
۱۴. خالد، عمرو. *اصلاح قلبها بر اساس منابع اهل سنت*. ترجمه سمیه اسکندری فر، چاپ سوم. مشهد: واسع، ۱۳۹۱ هـ.ش.
۱۵. خلیق، صالح محمد. *تاریخ ادبیات بلخ (از کهن‌ترین روزگاران تا اوایل سده بیست و یکم)*. کابل: انجمن نویسندگان بلخ، ۱۳۸۷ هـ.ش.
۱۶. دهلوی، شاه ولی الله. *معانی قرآن کریم*. مدینه منوره، بی‌تا.
۱۷. دیوبندی، شیر احمد. *تفسیر کابلی*. مترجم محمود حسن دیوبندی. دوره سه جلدی. بی‌جا: بی‌نا، ۱۴۰۰ هـ.ش.
۱۸. زرین کوب، عبدالحسین. *نقد ادبی*، جلد اول. چاپ چهارم. تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۹ هـ.ش.

۱۹. عثمانی، محمد شفیع. تفسیر معارف القرآن. مترجم محمد یوسف حسین پور. چاپ پنجم. تربت جام: احمد جام، ۱۳۸۷ ه. ش.
۲۰. قزوینی، محمد بن یزید. سنن ابن ماجه: انتشارات الرياض، بی تا.
۲۱. قطب، سید. فی ظلال القرآن. مترجم مصطفی خرم دل. تهران: احسان، ۱۳۸۷ ه. ش.
۲۲. مولوی بلخی، جلال الدین محمد. مثنوی معنوی از روی تصحیح نیکلسون به کوشش مهدی آذر یزدی خرمشاهی. چاپ هشتم. تهران، ۱۳۸۴ ه. ش.
۲۳. مخلص، عبدالرؤف. انوارالقران گزیده ای از سه تفسیر فتح القدير امام شوکانی و دیگران. ج ۵: انتشارات شیخ الاسلام احمد جام، ۱۳۸۸ ه. ش.
۲۴. نیشابوری، مسلم بن حجاج. صحیح مسلم. ج ۱: انتشارات حرمین، ۱۳۹۵ ه. ش.
۲۵. همایی، جلال الدین. فنون بلاغت و صناعات ادبی. تهران: اهورا، ۱۳۸۹ ه. ش.